

نقش عدالت در تنظیم اصول حاکم بر مدیریت خانواده از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

معصومه قنبر پور^۱، سمیه آزاددل^۲^۱ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم^۲ دانشجوی کارشناسی رشته تربیت معلم قرآن مجید، دانشکده علوم قرآنی خوی

چکیده

عدالت که در لغت به معنای راستی و درستی و ضد جور و دوری از افراط و تفریط و در اصطلاح، دادن حقوق افراد براساس استحقاق و شایستگی آن‌هاست به‌طوری‌که هرچیزی را در جای خود می‌نهد و مانع از تجاوز و ظلم و ستم می‌گردد. خانواده خمیرمایه پیکره اجتماعی، به مدیریتی سالم نیازمند است که از هرگونه درهم ریختگی جلوگیری کند. همانگونه که ازدواج و بنیان خانواده نزد خداوند، خوش و خواستنی است جدایی نزد او ناخواستنی است و براین اساس این مقاله برآن است تا به بررسی جایگاه خانواده از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع) در میان سخنان گوهریار ایشان در نهج البلاغه بپردازد و درصدد آن است تا به پاسخ این سوال بپردازد که خانواده ناب شیعی از نظر امام علی(ع) چگونه است؟ و محورهای مختلف ذکر شده توسط خود ایشان چیست؟ اهمیت این موضوع درآن است که جامعه شیعی باید اصول مدیریتی خانواده ناب شیعی را از دیدگاه برترین رهبر خود شناخته و خود را با آن همسو و هم‌جهت نماید. این تحقیق با رویکردی تحلیلی-توصیفی به بررسی جایگاه خانواده در نهج البلاغه از جمله: چگونگی مدیریت خانواده و نقش عدالت در پرداختن به اصول حاکم بر مدیریت خانواده و... می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که از مهم‌ترین اصول مدیریت خانواده عبارتند از: ۱. اصل تقسیم کار و مسئولیت‌پذیری ۲. اصل برنامه‌ریزی و نظم و هماهنگی و ... و خانواده ناب شیعی خانواده‌ای است که عدالت، حاکم بر تمامی روابط آنها باشد و در هیچ زمینه‌ای دچار افراط و تفریط نباشند.

واژه‌های کلیدی: عدالت، خانواده، مدیریت خانواده.

مقدمه

عدالت، یک ابزار تنظیم اجتماعی مهم است و به شکل‌دهی این‌که تعاملات ما با دیگران چطور فراخوانده و هماهنگ می‌شود، ما چطور می‌توانیم خودمان را در جهان اجتماعی و در روش معنادار ارزیابی کنیم (مثل عزت‌نفس) و این‌که چطور انگیزه‌ها و هویت ما تنظیم می‌شوند، کمک می‌کند. عدالت به‌طور واضح هویت افراد، انگیزه و رفتار را شکل می‌دهد. امروزه پذیرفته شده که مفهوم هویت می‌تواند دربرگیرنده سه سطح تعریف هویت باشد. جمعی، ارتباطی و فردی، بسته به سطح تعاملات فردی، سطوح مختلف هویت تحت تأثیر عدالت قرار می‌گیرد: هویت فردی، هویت ارتباطی (مثل روابط دوتایی یا روابط بین گروهی) و هویت جمعی (روابط بین گروهی) در مبحث عدالت سازمانی دریافتند که وقتی کارکنان سرپرستان خود را به عنوان افرادی درک می‌کنند که با احترام (عدالت تعاملی) با آن‌ها رفتار می‌کنند، تلاش‌های عمدی برای کمک به سازمان، تعهد و میل به همکاری را افزایش می‌دهند.

توجه به عدالت سازمانی از این حیث حائز اهمیت است که می‌توان خانواده را نیز نوعی سازمان در نظر گرفت. خانواده را یک سیستم متشکل از روابط متقابل و یک سازمان اجتماعی مهم معرفی می‌کند. خانواده درمانگران ساخت‌نگر همچون مینوچین خانواده را سازمانی از خرده نظام‌های متعامل می‌دانند.

مفهوم قدرت در نظریه‌های ساخت‌نگر خانواده که به موضوع اقتدار (یعنی این‌که چه کسی تصمیم می‌گیرد) در ساخت خانواده می‌پردازد، بی‌مشابهت به مباحث مطرح شونده در موضوع عدالت رویه‌ای نیستند. نیز بر موضوع سلسله مراتب قدرت در خانواده تأکید کرده‌است. از این می‌توان توزیع، رویه‌ها و تعاملات عادلانه در سازمان‌ها را به سازمان خانواده نیز تعمیم داد. شواهدی از تأثیر عدالت بر زندگی زوجین وجود دارد. هیتون و آلبرچت گزارش دادند که تقسیم عادلانه دارایی و نیز کارهای منزل (مترادف تعریف سازه‌ی عدالت توزیعی) به حفظ رابطه زناشویی کمک می‌کند. والراستین و بلاکسلی پس از مطالعه‌ای بر زوجین توانمند باسواد از طبقه متوسط کالیفرنیا نتیجه گرفتند که زوجین توانمند احساس احترام و منزلت (مترادف سازنده‌ی عدالت تعاملی) و مدیریت منصفانه امور مالی را گزارش می‌کنند. شوارتز پس از مطالعه‌ی زوجین توانمند در شش شهر بزرگ آمریکا گزارش داد که تصمیم‌گیری مشترک (مترادف سازنده‌ی عدالت رویه‌ای)، مسئولیت‌پذیری مشترک، تقسیم عادلانه‌ی فشار کاری، برابری و انصاف مالی از ویژگی‌های این دسنة از زوجین است. نیز وجود عدالت زناشویی در رابطه‌ی زوجین را تحت تأثیر سلامت خانواده اصلی و سبک حل تعارض مبتنی بر آن دانسته‌اند. [۱] بنابراین پیشه کردن عدالت در ارتباطات، برخوردها و مسائل زندگی از عوامل پایداری یک خانواده محسوب می‌شود. لذا این مقاله درصدد بررسی اصول مدیریتی خانواده و سپس نقش عدالت در این اصول مدیریتی است برای نوشتن مقاله از روش توصیف و تحلیل استفاده‌شده و خطبه‌ها و حکمت‌ها و نامه‌ها در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پیشینه

کتاب‌ها و مقالاتی که در این زمینه نوشته شده‌اند از این قرار است:

در پژوهشی که با عنوان جنبه‌های رعایت عدالت و انصاف از منظر امام علی علیه‌السلام در نهج البلاغه انجام شده است به بررسی رعایت عدالت و انصاف در زندگی انسان و کاربرد آن در زندگی اهل بیت علیهم‌السلام و از منظر نهج‌البلاغه پرداخته شده‌است اما این تحقیق در تلاش است تا نقش عدالت را در تنظیم اصول مدیریت خانواده مورد بررسی قرار دهد. [۲] در پژوهشی دیگر که با عنوان عدالت یا مساوات انجام شده که به فقط بررسی مطلق عدالت در زندگی انسان و مفهوم و تفاوت این دو پرداخته است اما این تحقیق در تلاش است تا نقش عدالت را در تنظیم اصول مدیریت خانواده مورد بررسی قرار دهد. [۳] در پژوهشی دیگر که با عنوان عدالت در نظام خانواده در اسلام انجام شده به این نتایج رسیده که عدالت در ارتباط مستقیم با

حقوق افراد است، تقابل حقوق اعضای خانواده در اسلام مبناست. در مقابل هر وظیفه‌ای حقی برای طرف مقابل ایجاد می‌شود، اسلام در مسیر متعالی خویش اعضای خانواده را فراتر از رعایت حقوق یکدیگر به مدارا دعوت می‌نماید. اعضای خانواده در اسلام به عنوان یک آفریده‌ی آزاد خداوند و عضوی از جامعه‌ی انسانی دارای حقوق انسانی و اجتماعی مشترکی هستند اما به دلیل خلقت متفاوت و کارکردهای مجزایی که دارند حقوق نامتشابهی دارند، نباید درصدد یکسان‌سازی نقش‌ها و به زعم برخی جنبش‌های کنونی فمینیسم، قائل به تساوی حقوق زن و مرد باشیم. اگر اعضای خانواده از جایگاه حقیقی خویش فاصله بگیرند، مصداق بارز بی‌عدالتی است، اسلام با فسخ تمام سنت‌های ظالمانه در مورد حقوق زنان به حقوق خانواده سامان بخشیده در این رابطه اعضای خانواده را در جایگاه واقعی خویش قرار داد. اما این تحقیق در تلاش است تا عدالت را در تنظیم اصول مدیریت خانواده مورد بررسی قرار دهد. [4]

بیان مسأله

سوال ۱ اصول مدیریت خانواده چیست؟

سوال ۲ نقش عدالت در پرداختن به اصول حاکم بر مدیریت خانواده چیست؟

مفاهیم و اصطلاحات

۱- مفهوم شناسی واژه عدالت:

عدالت در لغت به معنای حد وسط، دور از افراط و تفریط و راست و مستقیم آمده است. [۵] امام علی علیه السلام عدل را معیار و میزان خدا و ظلم و ستم را ملاک شیطان می‌داند. [۶]

عدالت در نهج البلاغه در معانی و کاربردهای مختلفی به کار رفته است:

الف) قرار گرفتن هر چیزی در جای خودش؛ (نهج البلاغه، خطبه ۱۶، حکمت ۴۳۷) [۷] که معنای عام عدالت است؛

ب) انصاف‌ورزی؛ علی علیه السلام عدل را برابر و مساوی انصاف می‌داند. (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱) [۸] انصاف در روابط اجتماعی به معنای حفظ حقوق دیگران همانند حقوق خود است؛

ج) مساوات، برابری و رفع تبعیض [۹] تا امکانات به طور مساوی در اختیار مردم قرار گیرد؛

د) اعتدال و میانه‌روی؛ هر چیز باید در حد تعادل و به دور از افراط و تفریط باشد (نهج البلاغه، نامه ۵۳) (بقره، ۱۴۳) [۱۰] و تعادل و پرهیز از افراط و تفریط از شاخصه‌های عدالت به شمار می‌رود؛

ه) رعایت حقوق؛ از کلیدی‌ترین مفاهیم نهج البلاغه، رعایت حقوق است. در بینش حضرت علی علیه السلام هر حقی باید به صاحب آن داده شود تا حق عزیز و منزلت خود را به دست آورد. (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) نشانه‌های عدالت با پاسداشت حقوق آشکار می‌شود و حق ارزشمند می‌گردد. حضرت از حقوق مسلم مردم را آگاه بودن به مسائل جامعه می‌داند. (نهج البلاغه، خطبه ۳۴؛ نامه ۵۰)

حق با تکلیف دو روی یک سکه و مکمل هم هستند. هر جا تکلیفی هست، حق هم وجود دارد. رعایت حقوق و تعهد برانجام تکالیف سبب برقراری عدالت و عدم پابندی بر هر کدام، موجب ظلم و بی‌عدالتی می‌گردد. باید مردم به اطلاعات دسترسی داشته باشند تا درخواست نقد، مشورت‌دهی و همراهی مردم با حکومت معنا پیدا کند.

۲- مفهوم شناسی واژه مدیریت:

واژه مدیریت در لغت به معنای کارگردانی، گرداننده، اداره کننده، و کسی که کاری را اداره می کند، می باشد. [۱۱]

مدیریت در اصطلاح عبارتست از فرآیند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه ریزی، بسیج نیروها و امکانات و هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و براساس نظام ارزشی مورد قبول صورت گیرد. [۱۲] همچنین این واژه به مفهوم بکارگیری پرسنل، آشنا کردن آنان به کار و سرانجام بهره گیری از آنان است. [۱۳]

از نگاه انوری تعریف مدیریت عبارتست از: توانایی و شایستگی اداره جایی یا رهبری و کنترل فعالیت های در حال انجام برای رسیدن به هدف های مورد نظر است. [۱۴]

اصول مدیریت خانواده با توجه به پژوهش انجام شده مهم ترین اصول مدیریتی است عبارت است از:

۱- اصل تقسیم کار و مسئولیت پذیری

ازدواج و تشکیل خانواده، پیش از آنکه برای ارضای غریزه جنسی باشد، یک مسئولیت است و کسی که ازدواج می کند باید به این مسئولیت آگاه باشد. زن باید بداند در برابر این ازدواج که مرد او را شریک زندگی انتخاب کرده چه مسئولیت و وظایفی دارد. اگر واقف نباشد و آنها را به کار نگیرد بدون شک مشکل به وجود می آید، مرد نیز باید به وظایف و مسئولیت خود در برابر همسری که انتخاب می کند آگاه باشد و بداند که در برابر او چه تعهدی دارد؛ زیرا عقد ازدواج یک عامل اخلاقی است، اگر تعهدی می سپارد، تعهدات و مرزها را بشناسد و کاملاً پای بند عمل به آنها باشد و بداند فلسفه ازدواج چیست. [۱۵] ازدواج تعهدی دوطرف است که در آن هر دو طرف باید احساس مسئولیت کنند که در غیر این صورت عدم تعهد و عدم مسولیت پذیری باعث ایجاد نابسانی و اختلاف در خانواده خواهد شد.

کارهای زندگی از کار بیرون و درون منزل تشکیل شده است و زن و مرد باید بخشی از آن را به عهده گیرند. امام باقر علیه السلام می فرماید: علی علیه السلام و فاطمه سلام الله علیها از رسول خدا صل الله علیه و آله درباره خدمت در زندگی مشترک تقاضای تقسیم کار کردند. پس حضرت فرمودند: فاطمه سلام الله علیها کارهای درون خانه و علی علیه السلام کارهای بیرون خانه را انجام دهند. بهترین تقسیم کار این است که مرد کارهای خارج از منزل و زن کارهای درون آن را عهده دار شود. زن با تقسیم کار احساس می کند که در زندگی جایگاهی دارد و علاوه بر داشتن تکلیف، حقی نیز دارد؛ از این رو باید حرمتش حفظ شود. [۱۶]

رسول اکرم صل الله و علیه و آله فرمود: [ای زنان] هر یک از شما با اشتغال در خانه خویش، [اگر خدا خواهد] ثواب مجاهدان را خواهد یافت. [۱۷]

رسول اکرم صل الله و علیه و آله فرمود: هر زنی که در خانه همسر خود به قصد مرتب کردن آن، چیزی را جابه جا کند، خداوند به او نظر [رحمت] افکند و هر که خداوند به او نظر [رحمت] کند، عذابش نکند. [۱۸ و ۱۹]

امام علی علیه السلام (در خطبه ۲۳ نهج البلاغه) [۷] می فرماید: «مسلمانی که از خیانت پاک است انتظار دارد یکی از دو خوبی نصیب او گردد: یا دعوت حق را لبیک گفته عمر او پایان پذیرد (که آنچه در نزد خداست برای او بهتر است). و یا خداوند، روزی فراوان به او دهد و صاحب همسر و فرزند و ثروت گردد؛ و هم چنان دین و شخصیت خود را نگاهدارد.» همانا ثروت و فرزندان؛ محصول دنیا و فانی شدنی، و عمل صالح زراعت آخرت است، گرچه گاهی خداوند، هردوی آن را به ملت هایی خواهد بخشید.

و نیز می‌فرماید: «کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار، که زن، گُل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش و خشن.» و نیز می‌فرماید: «کار هر کدام از خدمتکاران را معین کن که او را در برابر آن کار مسئول بدانی، که تقسیم درست کار سبب می‌شود کارها را به یکدیگر وا نگذارند، و در خدمت سستی کنند.»

یا دربارهٔ کسانی که دنیا را کنار گذاشته‌اند (در خطبهٔ ۲۰۹) [۷] می‌فرماید: (علاء) گفت: از برادرم عاصم بن زیاد به شما شکایت می‌کنم. فرمود: چه شد او را؟ گفت: عبایی پوشیده و از دنیا کناره گرفته است. امام فرمود: او را بیاورید، وقتی آمد به او فرمود: (ای دشمنک خویش! در تیر رس شیطان قرار گرفتی! آیا تو به زن و فرزندان رحم نمی‌کنی؟ تو می‌پنداری که خداوند نعمتهای پاکیزه اش را حلال کرده، اما دوست ندارد تو از آنها استفاده کنی؟ تو در برابر خدا کوچکتر از آن هستی که ای نمونه با تو رفتار کند.

نقش عدالت در اصل تقسیم کار و مسئولیت‌پذیری

طبق این اصل و بررسی‌هایی که انجام شد، می‌توان گفت که کارهای منزل به دو دسته تقسیم شده و مرد موظف به کار در بیرون از خانه است ولی زن موظف به انجام کارهای منزل نشده‌است بلکه از لحاظ فرهنگی دارای ارزش است و از سویی کار زن در خانه خویش مورد رحمت و پاداش الهی است و دارای ثواب مجاهدان است. در صورت تقسیم کار و واگذار کردن کاری به زن، که این کار باید در توان او باشد چراکه او گلی بهاریست و نه پهلوانی سخت و خشن، زن احساس می‌کند که در زندگی جایگاهی دارد و علاوه بر داشتن تکلیف، حقی نیز دارد؛ از این رو باید حرمتش حفظ شود. همچنین مرد علاوه بر کارهای خارج از خانه می‌تواند همسر خویش را در کارهای منزل یاری کند که این نیز مورد عنایت پروردگار بوده و ثواب صدیقان و شهیدان را دارد. در صورت نیاز اگر لازم به استخدام خدمتکاری در خانه شد باید وظیفه هر یک مشخص باشد تا در انجام وظایف سستی نباشد. سیره زندگانی مولای متقیان خود گواه بر این سخنان بوده و همراهی پایاپای ایشان در خانه جلوه‌گر است. یکی از نقش‌های عدالت در این اصل مدیریتی و اگذار کردن عادلانه کار به عهده زن است که با شرایط روحی و روانی او هماهنگ باشد و همراهی همسر در کارها با او در انواع کارها و به خصوص کارهایی است که خشن بوده و او توانایی انجام آن‌ها را ندارد است. نکته دیگر انجام وظیفه و اگذار شده به هریک از آن‌ها به بهترین نحو ممکن است و تلاشی که هریک در اجرای بالاترین سطح از توانایی خود در انجام مسئولیت خویش باید به کار بگیرند.

۲-۱ اصل برنامه‌ریزی و نظم و هماهنگی

داشتن نظم از مهمترین عوامل در پیشبرد اهداف خانواده است. چرا که بدون نظم ممکن است تلاش زیادی صورت پذیرد ولی اهداف محقق نشود. بنابراین مدیریت باید به گونه ای صورت پذیرد که در برنامه‌ریزی هم فعالیت اعضای خانواده مورد توجه قرار گیرد و هم رسیدن به اهداف محقق شود. امام علی علیه السلام (در نامه ۳۱ نهج البلاغه) [۷] به فرزند خویش (امام حسن علیه السلام) می‌فرماید: «با آنچه در گذشته دیده یا شنیده ای، برای آنچه که هنوز نیامده، استدلال کن، زیرا تحولات و امور زندگی همانند یکدیگرند.» و (در حکمت ۲۵۷) [۷] می‌فرماید: «ای کمیل! خانواده ات را فرمان ده که روزها در به دست آوردن بزرگواری، و شبها در رفع نیاز خفتگان بکوشند. سوگند به خدایی که تمام صداها را می‌شنود! هر کس دلی را شاد کند، خداوند از آن شادی لطفی برای او قرار دهد، که به هنگام مصیبت چون آب زلالی بر او باریدن گرفته و تلخی مصیبت را بزدايد چنان که شتر غریبه را از چراگاه دور سازند.» و (در حکمت ۳۵۲) [۷] می‌فرماید: «بیشترین اوقات زندگی را به زن و فرزند اختصاص مده، زیرا اگر زن و فرزند از دوستان خدا باشند، خدا آنها را تباه نخواهد کرد، و اگر دشمنان خدايند، چرا غم دشمنان خدا را می‌خوری؟» و در (حکمت ۳۹۰) می‌فرماید: «مؤمن باید شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم کند: زمانی برای نیایش و عبادت پروردگار، و زمانی برای تأمین هزینه زندگی، و زمانی برای واداشتن نفس به لذت‌هایی که حلال و مایهٔ زیبایی

است. خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز حرکت کند: کسب حلال برای تأمین زندگی، یا گام نهادن در راه آخرت، یا به دست آوردن لذت‌های حلال.»

امام حسین علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام درباره برنامه و وضع پیامبر صل الله علیه و آله در داخل خانه پرسش کرد و علی علیه السلام چنین فرمود: هرگاه اراده می کرد به خانه می رفت و چون وارد منزل می شد، اوقات خود را به سه بخش تقسیم می کرد: بخشی را به [عبادت] خدا اختصاص می داد و بخشی را به خانواده اش و بخشی را به خودش. وقت مخصوص به خودش را نیز میان خود و مردم تقسیم می فرمود و خواص را می پذیرفت و مسائل و موضوعات را از طریق آنان به عموم مردم ارجاع می داد و چیزی از ایشان مضایقه نمی کرد. [۱۹]

نقش عدالت در اصل برنامه ریزی و نظم و هماهنگی

بر اساس مطالب بیان شده برنامه ریزی و داشتن نظم و هماهنگی در خانواده یکی از مهم ترین اصول مدیریتی است که باعث مدیریت بهتر و هموارشدن مسیر رسیدن به هدف می شود. نکاتی که باید در برنامه ریزی برای زندگی مورد توجه قرار دهیم این است که باید باتوجه عدالت آمیز به اتفاقات گذشته و پیش بینی آینده اقدام به برنامه ریزی کنیم و با تقسیم شبانه روز به سه قسمت، قسمتی برای تأمین هزینه و کسب حلال برای تأمین زندگی و برنامه ریزی برای برآوردن نیاز همسر، متناسب با جایگاه و شأن وی و نیز قسمتی برای نیایش و عبادت و گام نهادن در راه آخرت و قسمتی برای واداشتن نفس به لذت های حلال بپردازیم. پیامبر نیز خود اوقات زندگی خویش را تقسیم نموده و در هر اوقاتی از زندگی به انجام کاری بخصوص مشغول بوده اند و قسمتی را به عبادت و قسمتی را برای خود، که آن را بین خود و مردم تقسیم می کردند و قسمتی از آن را نیز به خانواده می پرداختند. آنچه مورد توجه است، برنامه ریزی عادلانه و اختصاص ندادن بیشترین اوقات زندگی به خانواده برای جلوگیری از غفلت در سایر امور زندگی می باشد.

۳-۱ اصل کار و کسب حلال

در (سوره بقره، آیه ۲۳۳) [۱۰] و در (سوره نساء، آیه ۳۴) و در (سوره طلاق، آیه ۷) [۱۰] به این اصل اشاره شده است. امام علی علیه السلام (در نامه ۳۱ نهج البلاغه) [۷] به فرزند خویش (امام حسن علیه السلام) می فرماید: «پسر! بدان که روزی دو قسم است: یکی آن که تو آن را می جویی، و دیگر آن که او تو را می جوید، و اگر تو به سوی آن نروی، خود به سوی تو خواهد آمد؛ چه زشت است فروتنی به هنگام نیاز، و ستمکاری هنگام بی نیازی همانا سهم تو از دنیا آن اندازه خواهد بود که با آن سرای آخرت را اصلاح کنی؛ اگر برای چیزی که از دست دادی ناراحت می شوی، پس برای هر چیزی که به دست تو نرسیده نیز نگران باش.» و (در حکمت ۱۴۰) [۷] می فرماید: «آن که میانه روی کند، تهیدست نمی شود.» و (در حکمت ۱۴۱) [۷] می فرماید: «اندک بودن تعداد زن و فرزند یکی از دو آسایش است.» [۷] و (در حکمت ۲۵۸) [۷] می فرماید: «هرگاه تهیدست شدید با صدقه دادن، با خدا تجارت کنید.» و (در حکمت ۲۶۷) [۷] می فرماید: «ای فرزند آدم! اندوه روز نیامده را بر امروزت میفزای، زیرا اگر روز نرسیده، از عمر تو باشد، خدا روزی تو را خواهد رساند.» و (در حکمت ۲۴۰) [۷] می فرماید: «سنگ غصبی در بنای خانه، مایه ویران شدن آن است.» و (در حکمت ۲۱۳) می فرماید: «چشم از سختی خار و خاشاک و رنج ها فرو بند تا همواره خشنود باشی.» ابن میثم در شرح این حکمت می نویسد: «چشم پوشی از خار و خاشاک کنایه از فرو بردن خشم و تحمل سختی است که خود فضیلتی از شاخه های شجاعت است چوم طبیعت دنیا آمیخته با سختی هایی است که بیشتر اوقات انسان درگیر آنهاست پس اگر با تحمل با آنها برخورد نکنند، بلکه با خشم و غضب و خشونت برخورد کند، همواره خشمگین و برافروخته خواهد بود. چون تا دنیا هست سختی نیز ادامه دارد.» [۲۰]

نقش عدالت در اصل کار و اقتصاد و تأمین رفاه متناسب و قناعت

با توجه به اینکه پرداخت نفقه و تأمین رفاه خانواده برعهده مرد است و دستمزدی که زن از فعالیت اقتصادی خود بدست می‌آورد برای خود اوست بنابراین باید بین شغل مرد با شأن زن مناسبت وجود داشته‌باشد و این مهم خارج از عدالت نبوده و مصداق محکمی برآن است که خانواده‌ها باید قبل از تشکیل نهاد خانواده و بعد از آن باید اهمیت ویژه‌ای به این اصل مبذول دارند چراکه باید امورات خانواده را برپایه اقتصاد حلال اداره شود. برهمن اساس شراکت در بدست‌آوردن روزی مغتنم شمرده شده ولی نباید برای به‌دست‌آوردن روزی نگران بود و یا به‌کار حرام و غصب کردن دست زد و زیاده‌خواهی کرد چراکه روزی از طرف خداوند مقرر شده‌است و به گفته حضرت امیر علیه السلام انواع آن بر دو نوع است آنکه تو آن را می‌جویی و آنکه او تورا می‌جوید و نیز زن و زندگی، همه‌اش زحمت و درد سر است و چاره‌ای جز بودن با او هم نیست. زندگی سخت است ولی فروخوردن خشم و تحمل سختی فضیلت است. همچنین باید در زندگی خود این را در نظر داشته‌باشیم که باید از فقر به خدا پناه ببریم، چراکه فقر دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان و عامل دشمنی است و گفته‌شده است که باید در هنگام تهیدست شدن باصدقہ تجارت کنید. البته آنکه میانه‌روی کند تهیدست نمی‌شود. استفاده از اموال و دنیا برای رسیدن به آخرت، رعایت عدالت در کسب و کار و به‌دست‌آوردن روزی حلال و توجه به اینکه بسا لقمه‌ای که از لقمه‌های فراوان محروم می‌کند.

۴-اصول تعلیم و تربیت

(در سوره روم، ۳۰) و (در سوره تحریم، ۶) [۱۰] به این اصل اشاره شده‌است. امام علی علیه السلام (در خطبه ۱۶۶ نهج البلاغه) [۷] در این باره می‌فرماید: «باید خردسالان شما از بزرگان شما پیروی کنند، و بزرگسالان شما نسبت به خردسالان مهربان باشند، و چونان ستم پیشگان جاهلیت نباشید که نه از دین آگاهی داشتند و نه در خدا اندیشه می‌کردند.» و نیز (در خطبه ۱۷۶) [۷] می‌فرماید: «ای مردم! خوشا به حال کسی که عیب شناسی نفس، او را از عیب‌جویی دیگران باز دارد، و خوشا به حال کسی که به خانه و خانواده خود پردازد، و غذای حلال خود را بخورد، و به اطاعت پروردگار مشغول باشد، و بر خطاهای خویش بگریزد، همواره به خویشتن خویش مشغول باشد و مردم از او در امان باشند.» و نیز (در نامه ۳۱ نهج البلاغه) [۷] به فرزند خویش (امام حسن علیه السلام) می‌فرماید: «چون برادرت از تو جدا گردد، تو پیوند دوستی را بر قرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن، و چون بخل ورزد تو بخشنده باش، هنگامیکه دوری می‌گزیند تو نزدیک شو، و چون سخت می‌گیرد تو آسان گیر، و به هنگام گناهش عذر او را بپذیر، چنانکه گویا بنده او می‌باشی، و او صاحب نعمت تو است. مبدا دستورات یاد شده را با غیر دوستان انجام دهی، یا با انسانهایی که سزاوار آن نیستند بجا آوری، دشمن دوست خود را دوست مگیر تا با دوست دشمنی نکنی. در پند دادن دوست بکوش، خوب باشد یا بد، و خشم را فرو خور که من جرعه‌ای شیرین تر از آن ننوشیدم، و پایانی گوارتر از آن ندیده‌ام. با آن کس که با تو درستی کرده، نرم باش، که امید است به زودی در برابر تو نرم شود؛ با دشمن خود با بخشش رفتار کن، زیرا سرانجام شیرین دو پیروزی است» انتقام گرفتن یا بخشید. اگر خواستی از برادرت جدا شوی، جایی برای دوستی باقی گذار، تا اگر روزی خواست به سوی تو بازگردد بتواند؛ کسی که به تو گمان نیک بُرد او را تصدیق کن، و هرگز حق برادرت را به اعتماد دوستی ای که با او داری ضایع نکن، زیرا آن کس که حقش را ضایع می‌کنی با تو برادر نخواهد بود؛ و افراد خانواده ات بدبخت‌ترین مردم نسبت به تو نباشند، و به کسی که به تو علاقه ای ندارد دل مبنده؛ مبدا برادرت برای قطع پیوند دوستی، دلیلی محکم تر از برقراری پیوند با تو داشته باشد، و یا در بدی کردن، بهانه ای قوی تر از نیکی کردن به تو بیاورد؛ ستمکاری کسی که بر تو ستم می‌کند در دیده ات بزرگ جلوه نکند، چه او به زیان خود، و سود تو کوشش دارد، و سزای آن کس که تو را شاد می‌کند بدی کردن نیست. «و (در حکمت ۷۳) می‌فرماید: «کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد، زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.» و (در حکمت ۳۹۹) می‌فرماید: «همانا فرزندان را بر پدر و پدر را بر فرزند حقی است: حق پدر بر فرزند این است که

فرزند در همه چیز جز نافرمانی خدا، از پدر اطاعت کند، و حق فرزند بر پدر آن که نام نیکو بر فرزند نهد، خوب تربیتش کند، و او را قرآن بیاموزد.» و (در حکمت ۱۷۹) می‌فرماید: «لجاعت، تدبیر را سست می‌کند.» و (در حکمت ۳۸) می‌فرماید: «به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود: پسر من! چهار چیز از من یادگیر (درخوب یها)، و چهار چیز به خاطر بسپار (هشدارها)، که تا به آنها عمل می‌کنی زیان نبینی: ۱. همانا ارزشمندترین بی‌نیازی عقل است، ۲. و بزرگ‌ترین فقر بی‌خردی است، ۳. و ترسناک‌ترین تنهایی خودپسندی است ۴. و گرمی‌ترین ارزش خانوادگی، اخلاق نیکوست ۱. پسر من از دوستی با احمق بپرهیز، چرا که می‌خواهد به تو نفعی رساند اما دچار زیان می‌کند ۲. از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می‌دارد ۳. و از دوستی با بدکار بپرهیز، که با اندک بهایی تو را می‌فروشد ۴. و از دوستی با دروغگو بپرهیز، که او به سراب ماند، دور را به تو نزدیک، و نزدیک را دور می‌نمایاند.»

نقش عدالت در اصل تعلیم و تربیت

در بیان نقش عدالت در این اصل می‌توان به این نکته توجه داشت که نباید محبت بیش از حد باعث چشم‌پوشی از تعلیم و تربیت و نادیده گرفتن پرداختن به نکات اخلاقی شود بلکه باید بسیار هوشمندانه در پی هر رفتار غلطی در پی اصلاح آن اقدام نمود و با توجه به این ضرب‌المثل معروف که از کوزه همان برون تراود که درون اوست. تربیت خانوادگی چیزی است که در ارتباط اول با هر کسی به منشأ ظهور و بروز در می‌آید و جلوه می‌کند. بنابراین انسان باید در ابتدا عیب‌شناس نفس خود باشد و کسی که ابتدا به خودسازی بپردازد در تعلیم با کردار بسیار موفق‌تر از کسی خواهد بود که به تربیت با گفتار اکتفا کند به ویژه کسی که رهبر یا مدیر باشد باید پیش از تعلیم دیگران به خودسازی بپردازد و این شخص سزاوار تعظیم است. کسی که امر مدیریت را برعهده دارد باید از لجاجت دوری کند چراکه لجاجت تدبیر را سست می‌کند و این خود نیازمند خودسازی و دلیلی بر مدعای سخنان قبلی است. در این اصل باید توجه داشته باشیم که نهاد خانواده مجموعه‌ای است که در آن نه تنها فرزندان که پدر و مادر نیز باید به خودسازی بپردازند و بیش از گفتار به کردار خویش اهمیت بسیاری دهند چراکه تأثیرگذاری آن به مراتب بیشتر است. همانگونه که امام علی علیه السلام برای ادب و تربیت فرزند خویش امام حسن علیه السلام نامه‌ای نوشته و در آن به تمامی نکات توجه نموده‌اند که در صورت نیاز به بیان نکات برای تربیت بصورت نوشته و مکتوب و جامع و کامل به بیان آنها پرداخت.

۵-۱ اصل تحقیق و بررسی

امام علی علیه السلام (در نامه ۳۱) نهج البلاغه به فرزند خویش (امام حسن علیه السلام) می‌فرماید: «بپرهیز از غیرت نشان دادن بی جا که درستکار را به بیمار دلی، و پاکدامن را به بدگمانی رساند.» و در ادامه می‌فرماید: «پیش از حرکت، از همسفر بپرس، و پیش از خریدن منزل، همسایه را بشناس.» در شرح این قسمت از نامه امام آمده‌است که اگر قصد رفتن به راهی را دارد، از احوال رفیقی که در آن راه است جویا شود به این منظور که اگر او شخص بدی است از او دوری کند، و اگر فرد خوبی است با او همراه شود. زیرا همراه صمیمی و خالص است و یا چون آتشی سوزان است، و همچنین، موقعی که قصد سکونت در منزلی را دارد، به خاطر همان منظور، از همسایه جویا شود. [۲۰]

نقش عدالت در اصل تحقیق و بررسی

رعایت عدالت در این اصل به این صورت است نباید غیرت و بدگمانی جلوی قضاوت‌های صحیح مرد یا زن را در امور خانواده بگیرد، بلکه همواره در تصمیم‌گیری‌ها عدالت را باید رعایت نمود و در مسائل همه جوانب کار را سنجید.

۶- حاصل توجه همه جانبه به مسائل اجتماعی (خانواده - اجتماع) و ارتباط با خویشاوندان

امام علی علیه السلام (در خطبه ۲۳) نهج البلاغه می‌فرماید: «ای مردم! انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، باز از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند خویشاوندان انسان، بزرگ‌ترین گروهی هستند که از او حمایت می‌کنند و اضطراب و ناراحتی او را می‌زدایند؛ و در هنگام مصیبت‌ها نسبت به او، پرعاطفه‌ترین مردم می‌باشند. نام‌نیکی که خدا از شخصی در میان مردم رواج دهد بهتر از میراثی است که دیگری دارد. آگاه باشید!، مبدا از بستگان تهیدست خود رو برگردانید، و از آنان چیزی را دریغ دارید، که نگاه داشتن مال دنیا، زیادی نیاورد و از بین رفتنش کمبودی ایجاد نکند. آن‌کس که دست‌دهنده خود را از بستگانش باز دارد، تنها یک دست را از آنها گرفته اما دست‌های فراوانی را از خویش دور کرده است؛ و کسی که پر و بال محبت را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت.» و نیز (در خطبه ۱۵۳) می‌فرماید: «همانا تمام حیوانات در تلاش برای پُر کردن شکمند، و درندگان در پی تجاوز کردن به دیگران، و زنان بی‌ایمان، تمام هم‌تشان آرایش زندگی و فسادانگیزی در آن است، اما مؤمنان فروتنند. همانا مؤمنان مهربانند، همانا مؤمنان از آینده ترسانند.» در شرح این خطبه آمده‌است حضور زن در جامعه زمینه گسترده‌ای برای تحقق بخشیدن به خواسته‌هایش در زندگی فراهم آورده‌است و زمینه‌های فراوانی برای بروز زینت در اختیار او نهاده است و از این رو، پا را فراتر از حدود خویش نهاده است. [۲۱] و نیز (در خطبه ۱۱۷) می‌فرماید: «نه اموال خود را در راه خدایی که آن مال‌ها را روزی شما کرد می‌بخشید، نه جان‌ها را در راه خدای جان‌آفرین به خطر می‌افکنید دوست دارید مردم برای خدا شما را گرمی دارند اما خودتان مردم را در راه خدا گرمی نمی‌دارید از فرود آمدن در خانه‌های گذشتگان عبرت بگیرید، و از جدایی با نزدیک‌ترین برادران و دوستان پند پذیرید.» و نیز (در نامه ۳۱) نهج البلاغه به فرزند خویش (امام حسن علیه السلام) می‌فرماید: «پسر! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران می‌پسند؛ ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود. نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست‌داری به تو نیکی کنند، و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار، و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی. آنچه نمی‌دانی نگو، گرچه آنچه را می‌دانی اندک است؛ آنچه را دوست نداری به تو نسبت دهند، درباره دیگران مگو، بدان که خود بزرگ بینی و غرور، مخالف راستی، و آفت عقل است؛ نهایت کوشش را در زندگی داشته باش، و در فکر ذخیره سازی برای دیگران مباش. آنگاه که به راه راست هدایت شدی، در برابر پروردگارت از هر فروتنی خاضع تر باش. بدان! راهی پر مشقت و بس طولانی در پیش روی داری، و در این راه بدون کوشش بایسته، و تلاش فراوان، و اندازه گیری زاد و توشه، و سبک کردن بار گناه، موفق نخواهی بود. بیش از تحمل خود بار مسئولیت‌ها را به دوش نگیر، که سنگینی آن برای تو عذاب آور است. اگر مستمندی را دیدی که توشه ات را تا قیامت می‌برد و فردا که به آن نیاز داری به تو باز می‌گرداند، کمک او را غنیمت بشمار و زاد و توشه را بر دوش او بگذار، و اگر قدرت مالی داری، بیشتر اتفاق کن و همراه او بفرست، زیرا ممکن است روزی در رستخیز، در جستجوی چنین فردی باشی و او را نیابی. به هنگام بی‌نیازی، اگر کسی از تو وام خواهد، غنیمت بشمار، تا در روز سختی و تنگدستی به تو بازگرداند، بدان که در پیش روی تو، گردنه‌های صعب العبوری وجود دارد، که حال سبکباران به مراتب بهتر از سنگین باران است، و آن‌که کند رود حالش بدتر از شتاب گیرنده می‌باشد، و سرانجام حرکت، بهشت و یا دوزخ خواهد بود، پس برای خویش قبل از رسیدن به آخرت وسائلی مهیا ساز، و جایگاه خود را پیش از آمدن آماده کن، «زیرا پس از مرگ، عذری پذیرفته نمی‌شود و راه بازگشتی وجود ندارد.» و نیز در ادامه می‌فرماید: «از کسانی مباش که اندرز سودشان ندهد، مگر با آزردن فراوان، زیرا عاقل با اندرز و آداب پند گیرد، و حیوانات با زدن، غم و اندوه را با نیروی صبر و نیکویی یقین، از خود دور ساز. کسی که میانه روی را ترک کند از راه حق منحرف می‌گردد. یار و همنشین، چونان خویشاوند است. دوست آن است که در نهان آیین دوستی را رعایت کند. هواپرستی مانند کوری است. چه بسا دور که از نزدیک نزدیکتر، و چه بسا نزدیک که از دور دورتر است؛ انسان تنها، کسی است که دوستی ندارد؛ کسی که از حق تجاوز کند، زندگی بر او تنگ می‌گردد؛ هرکس قدر و منزلت خویش بداند حرمتش باقی است.» و نیز می‌فرماید: «خویشاوندان را گرمی دار، زیرا آنها پر و بال تو می‌باشند، که با آن پرواز می‌کنی، و ریشه تو هستند که به آنها باز می‌گردد، و دست نیرومند تو می‌باشند که با آن حمله می‌کنی.» و امام علی علیه

السلام (در نامه ۶۹) نهج البلاغه به حارث همدانی می‌فرماید: «از همنشینی با فاسقان بپرهیز که شر به شر می‌پیوندند، خدا را گرامی دار، و دوستان خدا را دوست شمار، و از خشم بپرهیز که لشکر بزرگ شیطان است.» و نیز (در حکمت ۱۴) می‌فرماید: «کسی را که نزدیکانش واگذارند، بیگانه او را پذیرا می‌گردد.» و (در حکمت ۱۲۳) می‌فرماید: «خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می‌شمارد، و کسب و کار او پاکیزه است، و جاننش پاک، و اخلاقی نیکوست، که مازاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می‌کند، و زبان را از زیاد هگویی باز می‌دارد و آزار او به مردم نمی‌رسد، و سنت پیامبر صل الله و علیه و آله او را کفایت کرده، بدعتی در دین خدا نمی‌گذارد.» و (در حکمت ۱۶۲) می‌فرماید: «آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست.» و (در حکمت ۳۰۸) می‌فرماید: «دوستی میان پدران، سبب خویشاوندی فرزندان است، و خویشاوندی به دوستی نیازمندتر است از دوستی به خویشاوندی.» و (در حکمت ۳۶۰) می‌فرماید: «شایسته نیست به سخنی که از دهان کسی خارج شد، گمان بد ببری، چرا که برای آن برداشت نیکویی نیز می‌توان داشت.» و (در حکمت ۳۶۲) می‌فرماید: «هر کس که از آبروی خود بیمناک است، از جدال بپرهیزد.» و (در حکمت ۲۵۲) می‌فرماید: «خدا» ایمان «را برای پاکسازی دل از شرک، و «نماز» را برای پاک بودن از کبر و خودپسندی، و «زکات» را عامل فزونی روزی، و «روزه» را برای آزمودن اخلاص بندگان، و «حج» را برای نزدیکی و همبستگی مسلمانان، و «جهاد» را برای عزت اسلام، و «امر به معروف» را برای اصلاح توده‌های ناآگاه، و «نهی از منکر» را برای بازداشتن بی‌خردان از زشتی‌ها، «صله رحم» را برای فراوانی خویشاوندان، و «قصاص» را برای پاسداری از خون‌ها، و اجرای «حدود» را برای بزرگداشت محرمات الهی، و ترک «میگساری» را برای سلامت عقل، و دوری از «دزدی» را برای تحقق عفت، و ترک «زنا» را برای سلامت نسل آدمی، و ترک «لواط» را برای فزونی فرزندان، و «گواهی دادن» را برای به دست آوردن حقوق انکار شده، و ترک «دروغ» را برای حرمت نگهداشتن راستی، «سلام» کردن را برای امنیت از ترس‌ها، و «امامت» را برای سازمان یافتن امور امت، و «فرمان برداری از امام» را برای بزرگداشت مقام رهبری، واجب کرد.

نقش عدالت در اصل توجه همه جانبه به مسائل اجتماعی (خانواده - اجتماع) و ارتباط با خویشاوندان

نقش عدالت در این اصل بدین صورت قابل تبیین است که انسان نباید بخاطر مشغولیت‌های دنیایی از امور خانواده و خویشاوندان و اجتماع باز بماند بلکه همواره به فکر سعادت آن‌ها باشد و آن‌ها را مانند خود گرامی‌دارد و از هرچه برای موفقیت دیگران لازم است دریغ نکند. در انجام صله رحم و رسیدگی به خویشاوندان پیشگام باشد و از فقرای خویشان خود دستگیری کند و از دوستان و نزدیکان خود جدا نشود. نکته قابل توجه در این اصل انتخاب همسر مناسب است که باید بدان نهایت دقت و توجه را مبذول داشت چراکه زنان بی‌ایمان، تمام همّتشان آرایش زندگی و فسادانگیزی در آن است، اما مؤمنان فروتنند. عدالت در این سخن نمایان است که آنچه را بر خود پسندیده می‌دانی برای دیگران نیز پسندیده بدانی و آنچه را برای خود ناپسند می‌دانی برای دیگران نیز ناپسند بدانی.

۷-۱ اصل مشورت با اعضای خانواده و وحدت هدف

در (سوره بقره، ۲۳۳) به این اصل اشاره شده است. دامنه کمی تفکر زنان، بیش از مردان است؛ اما مسائل پیچیده و دقیق را نباید به آنان واگذار کرد؛ چراکه رأی آنان در پیچیدگی‌ها، ضمانت صحت بالایی ندارد. حضرت علی علیه السلام در زمینه این تفاوت می‌فرماید: از مشورت با زنان بپرهیزید؛ چراکه رأی آنان زود سست می‌شود و تصمیم آنان ناپایدار است. عامل ناپایداری در تصمیم‌گیری آنان افزون بر غلبه احساسات و عواطف، دید گسترده، باز و سطحی آن‌هاست. (نهج البلاغه، نامه ۳۱) در مواردی خاص که زنان تجربه خوبی دارند، می‌توان با آنان مشورت کرد؛ چرا که نهی از مشورت، عمومی و غالبی است و می‌توان برای آن مواردی استثنایی پیدا کرد. پس در مواردی که به تصمیم‌گیری در کارهای مهم رو می‌آوریم، نباید تصمیمات پایدار و رأیی قوی را از زنان انتظار داشته باشیم.» [۲۲] امام علی علیه السلام (در حکمت ۱۶۱) می‌فرماید: «هر کس خود رأی شد به هلاکت رسید و هر کس با دیگران مشورت کرد، در عقل‌های آنان شریک شد.» و (در حکمت ۱۷۳) می‌فرماید: «آن کس که از

افکار و آراء گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا خوب شناسد.» و (در حکمت ۸۶) می‌فرماید: «اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایندتر است.»

نقش عدالت در اصل مشورت با اعضای خانواده و وحدت هدف

در این اصل باید توجه داشت که موارد مشورت باید شناخته شود زیرا به دلیل تفاوت‌های فکری و کلی‌نگری در مردان و جزئی‌نگری در زنان باعث می‌شود که جنبه‌هایی از موضوع پوشیده بماند و با مشورت واضح شود و به دلیل سست اراده بودن زنان در امورسیاسی نباید با زنان مشورت کرد. مشورت کردن مخصوصاً در خانواده در راستای رسیدن به هدف بسیار سازنده است و تلاش و همفکری اعضاء خانواده بسیار ستودنی است. مشورت از مواردی است بسیار به آن سفارش شده است و مشورت کننده صحیح را از خطا تشخیص می‌دهد.

۸- اصل محبت و مهرورزی در بین اعضاء خانواده

در (سوره بقره، ۲۳۷) و در (سوره تغابن، ۱۴) و در (سوره نساء، ۱۹) به این اصل اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: ... مرد به رنگ سیاه خضاب کند که پیامبر صل الله علیه و آله فرمود: این کار باعث محبت در زانتان می‌شود. [۱۶] رسول اکرم صل الله علیه و آله فرمود: «تکریم نمی‌کنند زنان را مگر افراد بزرگوار و تحقیر نمی‌کنند آن‌ها را مگر افراد فرومایه.» [۱۷] پیامبر اکرم صل الله علیه و آله فرمود: هر کسی (مردی) که زنش او را اذیت کند، خداوند نماز و کارهای نیک او را قبول نمی‌کند تا این که شوهر را راضی کند. گرچه تمام عمرش روزه بگیرد و نماز بخواند و بنده آزاد کند و در راه خدا انفا نماید. چنین زنی (آزار رساننده شوهر) اولین فردی است که وارد آتش جهنم می‌شود. بعد حضرت فرمود: هر مردی هم، زنش را آزار و اذیت کند، این گونه دارای عذاب است... [۱۶] باوجود اینکه اسلام به محبت و گذشت در خانواده تأکید شده است اما روایات متعددی از سوی پیشوایان دین و حضرت علی علیه السلام بر عدالت در محبت‌ورزی و گذشت وجود دارد تا از هرگونه افراط و تفریط جلوگیری شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای مسعود، مبدا به خاطر محبت نسبت به زن و فرزند، وادار به گناه. افتادن در حرام شوی! [۱۹] امام علی علیه السلام (در نامه ۳۱) نهج البلاغه به فرزند خویش (امام حسن علیه السلام) می‌فرماید: «مبدا در گرمی داشتن زن زیاده روی کنی که او را به طمع ورزی کشانده برای دیگران به ناروا شفاعت کند. بپرهیز از غیرت نشان دادن بی جا که درستکار را به بیمار دلی، و پاکدامن را به بدگمانی رساند.» امام علی علیه السلام (در حکمت ۶۱) می‌فرماید: «نیش زن شیرین است.» ابن میثم در شرح این حکمت می‌نویسد: «زن همچون کژدمی است که گزیدنش شیرین است. در مورد کژدم گزیدنش را لسه گویند و کلمه عقرب را با صفت مزبور از آن جهت استعاره از زن آورده است که کار زن آزرده است، اما آزاری آمیخته با لذت بطوری که شخص احساس اذیت نمی‌کند، مانند اذیت و آزارگری که آمیخته با لذتی که ناشی از خارش آن است.» [۲۰] (در خطبه ۱۰۹) می‌فرماید: «هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد، نابینایش می‌کند و قلبش را بیمار کرده، با چشمی بیمار می‌نگرد، و با گوشی بیمار می‌شنود. خواهشهای نفس پرده عقلش را دریده، دوستی دنیا دلش را میرانده است، شیفته بی اختیار دنیا و برده آن است و برده کسانی است که چیزی از دنیا در دست دارند. دنیا به هر طرف برگردد او نیز برمی‌گردد، و هر چه هشدارش دهند از خدا نمی‌ترسد. از هیچ پند دهنده ای شنوایی ندارد، با اینکه گرفتار آمدگان دنیا را می‌نگرد که راه پس و پیش ندارند و در چنگال مرگ اسیرند. می‌بیند، که آنها بلاهایی را که انتظار آن را نداشتند بر سرشان فرود آمد، و دنیایی را که جاویدان می‌پنداشتند از آنها جدا شده و به آنچه در آخرت وعده داده شده بودند خواهند رسید، و آنچه بر آنان فرود آید، وصف ناشدنی است.» و (در حکمت ۵۰) می‌فرماید: «دل های مردم گریزان است، به کسی روی آورند که خوشرویی کند.»

نقش عدالت در اصل محبت و مهرورزی در بین اعضاء خانواده

در منطق اسلام، همان اندازه که محبت به زن، مورد توجه قرار گرفته، به عدالت در محبت نیز سفارش شده است. شوهر، وقتی بیش از حد، تسلیم خواسته‌های خوب و بد همسر خویش می‌شود، بزرگ‌ترین ضربه را از نظر روحی و روانی به او وارد کرده است، زیرا این کار سبب ناپرووردگی و زودرنجی همسر می‌شود که با کوچک‌ترین ناملایمات آزرده و ناراحت می‌شود. در هر صورت محبت به خانواده تا آن‌جا مورد قبول دین اسلام است که سبب از دست‌دادن محبت خدا و رسول خدا و ارزش‌های الهی نشود و در مواقع آزمایش الهی، محبت به زن و فرزند را بر محبت به خدا ترجیح ندهد و آلا این نوع محبت، سبب گمراهی و فسق انسان می‌گردد.

۹-اصول توجه به تفاوت‌های زن و مرد

افلاطون زنان و مردان را از نظر کیفی مشابه و از نظر کمی متفاوت از یکدیگر می‌داند. او می‌گوید: «زن و مرد از نظر استعداد مشابه یکدیگرند و زنان نیز می‌توانند همان وظایف و مسئولیت‌هایی را به عهده گیرند که مردان عهده‌دار آن هستند و متقابلاً از همان حقوقی برخوردار شوند که مردان برخوردار هستند. مردان تعلیمات جنگی می‌بینند؛ زنان نیز آموزشی نظامی می‌بینند، مردان در مسابقات ورزشی شرکت می‌کنند، زنان نیز باید شرکت کنند.» [۲۳] البته او زنان را از بعد کمی در همه زمینه‌ها متفاوت می‌بیند و می‌گوید: زنان در هر رشته‌ای از رشته‌ها، از مردان ناتوان‌ترند. در مقابل، ارسطو معتقد است تفاوت زن و مرد به مسائل کمی اختصاص ندارد؛ بلکه آن‌ها از نظر کیفی نیز متفاوتند. آن‌ها حتی از جهت فضایل اخلاقی نیز، در بسیاری از موارد با مردان فرق می‌کنند. او بر این باور است که بعضی از خصلت‌ها می‌تواند برای مرد فضیلت‌ی‌ه‌شمار آید، در حالی که برای زن فضیلت محسوب نشود. پس از ارسطو نیز دانشمندانی نظریه ارسطو را بر نظریه افلاطون ترجیح دادند. [۲۴] بهترین خصلت‌های زنان که بدترین خصلت‌های مردان است، عبارتند از: تکبر، ترس و بخل. هرگاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد، و اگر بخیل باشد، اموال خود و شوهرش را حفظ می‌کند، و چون ترسان باشد، از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می‌گیرد.» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴) حضرت در جهت تفاوت‌های میان زنان و مردان می‌فرماید: (نهج البلاغه، نامه ۳۱) کاری که به زن واگذار می‌کنی، نباید از حیطه منایبات او بیرون باشد؛ چراکه او گل خوش‌بویی است و به عنوان متصدی دخل و خرج نباید به کارهای خشن رو بیاورد. (در خطبه ۸۰) می‌فرماید: «ای مردم همانا زنان در مقایسه با مردان، در ایمان، و بهره‌وری از اموال و عقل، متفاوتند، اما تفاوت ایمان بانوان، برکنار بودن از نماز و روزه در ایام «عادت حیض» آنان است، و اما تفاوت عقلشان با مردان بدان جهت که شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است، و علت تفاوت در بهره‌وری از اموال آن که ارث بانوان نصف ارث مردان است. پس، از زنان بد بپرهیزید و مراقب نیکانیشان باشید. در خواسته‌های نیکو، همواره فرمانبردارشان نباشید، تا در انجام منکرات طمع ورزند.» (در حکمت ۱۲۴) می‌فرماید: «غیرت زن، کفر آور، و غیرت مرد نشانه ایمان اوست.» مغنیه در شرح این حکمت می‌نویسد: «مقصود از «کفر» صرف گناه و در مقابل ایمان است که به طاعت فرامی‌خواند. زن بنا به فطرت و غریزه، نسبت به هووی خود غیرت نشان می‌دهد. حال اگر در این باره صبر پیشه نموده و همسرش را به نیکویی سرزنش کند، نه تنها غیرت ورزیدنش گناهی ندارد، بلکه در نزد خدا و مردم از او به نیکی یاد می‌شود و پاداش می‌گیرد. بالاتر این‌که، می‌تواند بی‌آنکه سبب خشم خدا شود، با مهربانی خود بر شوهرش منت نهد. به عکس، اگر به مقابله برخاسته و از حدود خدا درگذرد گنهکار است. در سوی دیگر، غیرت مردان نسبت به زنان تا آن‌جا که از حد معقول فراتر نرود، نشانه ایمان است، زیرا در واقع نهی از منکر و بی‌عفتی به‌شمار می‌آید. در نامه ۳۱ نیز امام می‌فرماید: «بپرهیز از غیرت نشان دادن بی‌جا که درستکار را به بیمار دلی، و پاکدامن را به بدگمانی رساند.» [۲۱] (در حکمت ۱۳۶) می‌فرماید: «جهاد زن، نیکو شوهرداری است.»

نقش عدالت در اصل توجه به تفاوت‌های زن و مرد

ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی که از لحاظ روحی و روانی و جسمی و توانایی که بین هر یک از آن دو وجود دارد و شناخت این تفاوت‌ها در زندگی و بسیاری از زمینه‌ها مانند: واگذاری مسئولیت‌ها و رعایت حال طرف مقابل و... بسیار سودمند است و اینکه در توجه به این اصل باید عدالت رعایت شود. غیرت زنان که باعث کفر است و غیرت مردان نسبت به زنان تا آن‌جا که از حد معقول فراتر نرود، نشانه ایمان است، زیرا در واقع نهی از منکر و بی‌عفتی به‌شمار می‌آید.

۱۰- اصل عفت

یکی از چیزهایی که مرد مسلمان را اصلاح می‌کند، این است که، زنی داشته باشد، وقتی به او نگاه می‌کند، شاد گردد و هنگامی که از خانه خارج می‌شود، شوهر را در قلب و در اعماق وجود خود حفظ کند و هرگاه به او دستوری می‌دهد، اطاعت نماید. [۱۶] امام علی علیه السلام (در نامه ۳۱) نهج البلاغه به فرزند خویش (امام حسن علیه السلام) می‌فرماید: «در پرده حجاب نگاهشان دار، تا نامحرمان را ننگرند، زیرا که سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون رفتن زنان بدتر از آن نیست که افراد غیرصالح را در میانشان آوری، و اگر بتوانی به گونه‌ای زندگی کنی که غیر تو را نشانند، چنین کن» و نیز می‌فرماید: «بپرهیز از غیرت نشان دادن بی‌جا که درستکار را به بیمار دلی، و پاکدامن را به بدگمانی رساند.» (در حکمت ۶۸) می‌فرماید: «عفت ورزیدن زینت فقر، و شکرگزاری زینت بی‌نیازی است.» (در حکمت ۲۴۵) می‌فرماید: «هنگامی که توانایی فزونی یابد، شهوت کاستی گیرد.» ابن میثم در شرح این حکمت می‌نویسد: «چون کسی توان کمتری نسبت به برآوردن خواسته خود دارد، همواره بیم دارد از این‌که پس از دسترسی به خواسته خود، آن را از دست بدهد، بنابراین همین ترس، به دنبال لذت وصول به خواسته، همیشه باعث دلهره‌ای است نسبت به آن خواسته، و از طرفی خود محرک علاقه و میل است به طرف آن، اما اگر توانایی کامل برخاسته خود را داشت، ترسی نخواهد داشت که به خواسته خود نرسد، از این رو انگیزه میل بدان کم شده و پافشاری و علاقه‌اش نسبت به آن کاهش می‌یابد.» [۲۰] (در حکمت ۳۰۵) می‌فرماید: «غیرتمند، هرگز زنا نمی‌کند.» (در حکمت ۳۴۰) می‌فرماید: «پاکدامنی، زیور تهیدستی است.» (در حکمت ۳۴۵) می‌فرماید: «دست نیافتن به گناه، نوعی عصمت است.» (در حکمت ۴۷۴) می‌فرماید: «پاداش مجاهد شهید در راه خدا، بزرگ‌تر از پاداش عفیف پاکدامنی نیست که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌گردد. همانا عفیف پاکدامن، فرشته‌ای از فرشته‌هاست.»

نقش عدالت در اصل عفت

نقش عدالت در رعایت اصل عفت بدین صورت قابل تبیین است که هر چند عفت زن و مرد باعث استحکام خانواده می‌شود نباید آن را با غیرت بی‌جا در یک سطح قلمداد کنیم، بلکه باید همواره در رعایت آن میانه‌روی نمود و براساس حکم خداوند عمل کرد.

۱۰- اصل شکرگزاری و عبادت

در (سوره لقمان، ۱۲) به این اصل اشاره شده است. امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه به فرزند خویش (امام حسن علیه السلام) می‌فرماید: «پسرم! بدان آنچه بیشتر از به کارگیری وصیتم دوست دارم، ترس از خدا، و انجام واجبات، و پیمودن راهی

است که پدرانت، و صالحان خاندانت پیموده اند. زیرا آنان، آن گونه که تو در امور خویشتن نظر می کنی در امور خویش نظر داشتند. و همانگونه که تو درباره خویشتن می اندیشی، نسبت به خودشان می اندیشیدند، و تلاش آنان در این بود که آنچه را شناختند انتخاب کنند، و بر آنچه تکلیف ندارند روی گردانند، و اگر نفس تو از پذیرفتن سرباز زند و خواهد چنان که آنان دانستند بداند، پس تلاش کن تا درخواستهای تو از روی درک و آگاهی باشد، نه آن که به شُبُهات روی آوری و از دشمنی ها کمک گیری. و قبل از پیمودن راه پاکان، از خداوند یاری بجوی، و در راه او با اشتیاق عمل کن تا پیروز شوی، و ... و نیز می فرماید: «ستوارترین وسیله ای که می توانی به آن چنگ زنی، رشته ای است که بین تو و خدای تو قرار دارد.» و نیز می فرماید: «دین و دنیای تو را به خدا م سپارم، و بهترین خواسته الهی را در آینده و هم اکنون، در دنیا و آخرت، برای تو می خواهم.» و دعا کردن را و طلب خیر از خداوند برای فرزند در این قسمت از نامه جلوه گر است. امام علی علیه السلام (در نامه ۶۹) نهج البلاغه به حارث همدانی می فرماید: «نفس خود را در وا داشتن به عبادت فریب ده، و با آن مدارا کن، و به زور و اکراه بر چیزی مجبورش نساز، و در وقت فراغت و نشاط به کارش گیر، جز در آنچه که بر تو واجب است، و باید آن را در وقت خاصّ خودش به جا آوری. بهره یز از آن که مرگِ تو فرا رسد، در حالی که از پروردگارت گریزان، و در دنیاپرستی غرق باشی.» (در حکمت ۱۳۶) می فرماید: «نماز، موجب نزدیکی هر پارسایی به خداست و حج، جهاد هر ناتوان است. هر چیزی زکاتی دارد و زکات تن، روزه و جهاد زن، نیکو شوهرداری است.» (در حکمت ۳۴۰) می فرماید: «و شکرگزاری، زیور بی نیازی (ثروتمندی) است.» (در خطبه ۱۹۹) می فرماید: «مردم! (خواندن و اقامه) نماز را بر عهده گیرید، و آن را حفظ کنید، زیاد نماز بخوانید، و با نماز خود را به خدا نزدیک کنید.» نماز دستوری است که در وقتیهای خاص بر مؤمنان واجب گردیده است. آیا به پاسخ دوزخیان گوش فرا نم یدهید، آن هنگام که از آنها پرسیدند: چه چیز شما را به دوزخ کشانده است؟ گفتند: «ما از نمازگزاران نبودیم.» همانا نماز، گناهان را چونان بر گهای پاییزی فرو میریزد، و غُل و زنجیر گناهان را از گردن های گشاید. پیامبر اسلام صل الله و علیه و آله نماز را به چشمه آب گرمی که بر درِ سرای مردی جریان داشته باشد، تشبیه کرد، اگر هر شبانه روز پنج بار خود را در آن شستشو دهد، هرگز چرک و آلودگی در بدن او نماند. همانا کسانی از مؤمنان حقّ نماز را شناختند که زیور دنیا از نماز بازشان ندارد، و روشنائی چشمشان، یعنی اموال و فرزندان، مانع نمازشان نشود. خدای سبحان می فرماید: «مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش، آنان را از یاد خدا، و برپاداشتن نماز، و پرداخت زکات باز نمی دارد.» رسول خدا صل الله و علیه و آله پس از بشارت به بهشت، خود را در نماز خواندن به زحمت می انداخت، زیرا خداوند به او فرمود: «خانواده خویش را به نماز فرمان ده و برانجام آن شکبیا باش.» پس پیامبر صل الله و علیه و آله پی در پی خانواده خود را به نماز فرمان می داد، و خود نیز در انجام نماز شکبیا بود.» و نیز می فرماید: «رسول خدا صل الله و علیه و آله پس از بشارت به بهشت، خود را در نماز خواندن به زحمت می انداخت، زیرا خداوند به او فرمود: خانواده خویش را به نماز فرمان ده و برانجام آن شکبیا باش.» پس پیامبر صل الله و علیه و آله پی در پی خانواده خود را به نماز فرمان می داد، و خود نیز در انجام نماز شکبیا بود.» (در حکمت ۲۴۴) می فرماید: «خدا را در هر نعمتی حقّی است، هر کس آن را بپردازد، فزونی یابد، و آن کس که نپردازد و کوتاهی کند، در خطر نابودی قرار گیرد.» ابن میثم در شرح این حکمت می نویسد: «حق خدا در نعمت، سپاسگزاری است که واجب و لازم است، و اما شکر نعمت باعث فزونی، و کوتاهی در شکرگزاری باعث از دست دادن نعمت می گردد به دلیل آیه (ابراهیم، ۷) امام وادار به سپاسگزاری کرده، و از ناسپاسی برحذر داشته است، با یادآوری این جهت که قضای الهی براین جاری است.» [۲۰] (در خطبه ۴۶) می فرماید: «خدایا! از سختی سفر، و اندوه بازگشتن، و روبرو شدن با مناظر ناگوار در خانواده و مال و فرزندان، به تو پناه می برم. پروردگارا! تو در سفر همراه ما و در وطن نسبت به بازماندگان ما سرپرست و نگهبانی، و جمع میان این دو را هیچ کس جز تو نتواند کرد، زیرا آن کس که سرپرست بازماندگان است نمی تواند همراه مسافر باشد و آن که همراه و هم سفر است سرپرست بازماندگان انسان نمی تواند باشد.» (در خطبه ۲۰۹) می فرماید: «(پس از جنگ بصره بر علاء بن زیاد وارد شد که از یاران امام بود. وقتی خانه بسیار مجلّل و وسیع او را دید، فرمود): با این خانه وسیع در دنیا چه می کنی، در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری؟! آری! اگر بخواهی می توانی با همین خانه به آخرت برسی! در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری بپیوندی، و حقوقی که بر گردن تو است، به صاحبان حق برسانی، پس آنگاه تو با

همین خانه وسیع به آخرت نیز می توانی برسی. (علاء) گفت: از برادرم عاصم بن زیاد به شما شکایت می کنم. فرمود: چه شد او را؟ گفت: عباپی پوشیده و از دنیا کناره گرفته است. امام فرمود: او را بیاورید، وقتی آمد به او فرمود: (ای دشمنک خویش! در تیر رس شیطان قرار گرفتی! آیا تو به زن و فرزندان رحم نمی کنی؟ تو می پنداری که خداوند نعمتهای پاکیزه اش را حلال کرده، اما دوست ندارد تو از آنها استفاده کنی؟ تو در برابر خدا کوچکتر از آن هستی که ای نگونه با تو رفتار کند. (عاصم) گفت: ای امیرمؤمنان! پس چرا تو با این لباس خشن، و آن غذای ناگوار به سر میبری؟ امام فرمود: (وای بر تو! من همانند تو نیستم، خداوند بر پیشوایان حق، واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد، و به طغیان نکشاند.»

نقش عدالت در اصل شکرگزاری و عبادت

در زندگی بسیاری از مسائل هست که ابتدا باید سعی و تلاش کرد و سپس به دعا و توکل برخاست زیرا چیزهایی که با تلاش به دست می آیند را نمی توان با دعا و توکل و بدون سعی و تلاش به دست آورد و دست نیاز به سوی خدا دراز کرد و یا همانگونه که عاصم بن زیاد از دنیا کناره گیری و به عبادت مشغول گشته بود و خانواده و فراهم کردن معاش آن ها را از نظر خود افکنده بود و این نشان دهنده جایگاهی برای اعتدال در عبادت است.

نتیجه گیری

مهم ترین اصول مدیریت خانواده عبارتند از: ۱. اصل تقسیم کار و مسئولیت پذیری ۲. اصل برنامه ریزی و نظم و هماهنگی ۳. اصل کار و اقتصاد حلال ۴. اصل تعلیم و تربیت ۵. اصل حفاظت ۶. اصل توجه همه جانبه به مسائل اجتماعی (خانواده - اجتماع) و ارتباط با خویشاوندان ۷. اصل مشورت با اعضای خانواده و وحدت هدف ۸. اصل محبت و مهرورزی در بین اعضای خانواده ۹. اصل توجه به تفاوت های زن و مرد ۱۰. اصل عفت ۱۱. اصل شکرگزاری و عبادت

خانواده ناب شیعی خانواده ای است که عدالت، حاکم بر تمامی روابط آنها باشد و در هیچ زمینه ای دچار افراط و تفریط نباشند و خانواده بستری مناسب برای پرورش اعضای خانواده باشد و آنان در شیوه ی زندگانی خود از پیامبر و ائمه اطهار الگو گرفته و در تمامی لحظات زندگی و فعالیت های روزانه خود کلمات و سخنان آنان جاری باشد. عدالت از مهم ترین شیوه در اصول مدیریتی است چراکه در هر زمینه ای که عدالت وجود نداشته باشد زیان بار است و عامل پیش گیرنده برای پیشرفت و تعالی خانواده است. خانواده محیطی که مجموعه ای کوچک از جامعه است باید به بهترین شیوه با همکاری و همیاری تمام اعضاء آن در راستای رسیدن به آرمان های جامعه قدم بردارد و عدالت شیوه ای است که این نهاد برای مدیریت بی گمان بدان نیازمند است.

منابع:

۱. مجید غفاری. (۱۳۹۶)، "آموزش مؤلفه های عدالت اجتماعی به زوجین به منظور افزایش رفتارهای عادلانه کیفیت زناشویی"، مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن روانشناسی ایران، دانشگاه مازندران، بابل سر، ایران، ۱۲۳۶ - ۱۲۴۱.
۲. مسائلی، زینب السادات، ۱۳۹۶: «جنبه های رعایت عدالت و انصاف از منظر امان علی علیه السلام در نهج البلاغه»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی فرهنگ، اندیشه و علوم قرآنی.
۳. پرور، نگار و برزگر عبدالرضا، ۱۳۹۴: «عدالت یا مساوات»، مجموعه مقالات دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق.

۴. قربانپور آرانی، حسین، عدالت در نظام خانواده در اسلام، کارشناسی ارشد، ۱۳۳، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، قم، ۱۳۸۹.
۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، کتاب العین، قم، هجرت. ج ۲ و ج ۹، ص ۱۹۸.
۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، انتشارات فرهنگ، ص ۲۲۴.
۷. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، ترجمه، دشتی، محمد، قم: دفتر مطالعات تاریخ معارف اسلامی، ۱۳۸۳.
۸. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۲۸۶.
۹. قاضی نعمان، نعمان بن محمد، ۱۳۸۵ق، دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل بیت علیه السلام، ج ۱، ص ۳۸۴.
۱۰. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای مهدی، ۱۳۸۳.
۱۱. دهخدا، علی اکبر. فرهنگ دهخدا. تهران: انتشارات چاپ دانشگاه ۱۳۷۷. ص ۲۰۵۶۱
۱۲. معین، محمد. فرهنگ معین یک جلدی. تهران: انتشارات راه رشد ۱۳۸۲. ص ۶۸۳۲
۱۳. علی‌زاده، محمدجواد. قرآن و مدیریت راستین. مشهد رستگار ۱۳۷۷. ص ۱۵
۱۴. انوری، دکتر حسن. فرهنگ بزرگ سخن. تهران. ۱۳۸۲. ص ۶۸۳۱
۱۵. رحیمی، عباس، خانواده موفق، قم، ۱۳۹۰. ص ۱۷۶.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۰، آل بیت، قم ۱۴۰۹ق. ص ۱۷۲.
۱۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران ۱۳۸۲ش.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الامالی، مؤسسه البعثه، قم ۱۴۱۷ق. ص ۳۳۶.
۱۹. مجلسی، علامه محمدباقر، بحارالانوار، ج ۱۶ و ۱۷ و ۷۸ و ۱۰۳، مؤسسه الوفا بیروت ۱۴۰۳ق. ص ۳۵۱
۲۰. ابن میثم بحرانی، کمال الدین میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، ج ۷ و ۸، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۱. مغنیه رحمه الله، علامه محمد جواد، در سایه سار نهج البلاغه، ج ۳ و ۶، قم، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۸۷.
۲۲. حسین زاده، علی، همیران سازگار: راهکارهای سازگاری. قم. انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۸.
۲۳. افلاطون، جمهوریت، ترجمه فواد رحمانی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۸.
۲۴. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، قم، صدرا، ۱۳۶۸.